

## سوالات مصاحبه شایستگی محور

### مسئولیت پذیری

- درباره شرایط کاری بهم بگو که مشخص نبود چه شخصی مسئول انجام کار هست و تو وارد شدی و کار رو انجام دادی.
- زمانی رو توصیف کن که قولی که به کسی داده بودی برای انجام کاری رو فراموش کرده بودی. بعد از اینکه متوجه شدی، چه کاری انجام دادی؟

### عمل‌گرا بودن

- زمانی رو تعریف کن که از سخت کار کردن روی پروژه‌ای لذت بردی.
- ما همه می‌دانیم که در انجام بعضی امور توانایی خاصی داریم. زمانی رو تعریف کن که با استفاده از این تواناییت، تونستی پروژه‌ای رو به خوبی به سرانجام برسونی.

### توانایی کار در ابهام

- زمانی رو تعریف کن که مجبور بودی با اطلاعات ناقصی، پروژه‌ای رو شروع به کار کنی. چه کاری انجام دادی تا بتونی بهترین عملکرد رو داشته باشی؟
- زمانی رو تعریف کن که به دلیل اینکه اطلاعاتی که از پروژه داشتی ناقص بود، نتونستی در پروژه‌ای یا جلسه‌ای شرکت و صحبت کنی.

### مهارت‌های تحلیلی

- پیچیده‌ترین اطلاعاتی که مجبور به تحلیلش بودی رو برام تعریف کن.

- پروژه‌های رو تعریف کن که به دلیل اینکه تحلیل درستی از اطلاعاتش داشتی، تونستی به خوبی انجام بدی.

### در دسترس بودن

- آخرین باری رو تعریف کن که کسی برای انجام کاری پیش شما اومد. چرا اون شخص خواست پیش شما بیاد؟
- یک مثال از حل کردن مشکل همکاری بزن که مجبور بود برای حل کردنش پیش شما بیاد.

### مدیریت بودجه

- زمانی رو تعریف کن که مدیریت هزینه‌هایی که داشتی در نهایت خیلی با چیزی اول برنامه‌ریزی کرده بودی متفاوت شد؛ چرا این اتفاق افتاد؟
- زمانی رو تعریف کن که یک برنامه کاهش هزینه/ افزایش درآمد پیاده کردی و موثر واقع شد

### توانایی فهمیدن احساس دیگران

- زمانی رو تعریف کن که دقتت به فرد مقابل در کار و فهمیدن حال روحی آن شخص، بهت کمک کرد که بهتر شرایط رو مدیریت کنی.
- زمانی رو تعریف کن که تونستی دیدگاه شخص دیگه‌ای رو، با وجود اینکه خیلی از مال تو متفاوت بود، درک کنی.

### توانایی درک بیزینس

- به من از تصمیمی که در واحد شما گرفته شد و تأثیر زیادی روی کل بیزینس داشت بگو.

- زمانی رو تعریف کن که قبل از اینکه مدیرعامل یا مدیر واحد، متوجه اشتباهی در سازمان شوند، شما متوجه شدید. چه کاری انجام دادید؟ چطور شما زودتر از آنان متوجه شدید؟

### علاقه به شغل

- از برنامه مسیر شغلیت بهم بگو و توضیح بده که تا الان چقدر از این برنامه رو پیش رفتی.
- به من مثالی رو بگو که چجوری تونستی کنترل مسیر شغلی خودت رو نگه داری و تمرکزت از بین نره.

### اهمیت به کارهای انجام شده

- زمانی رو تعریف کن که به خاطر کاری که کسی انجام داده بود، ازش تقدیر کردی.
- زمانی رو تعریف کن که فرصت اینکه از شخصی که کاری انجام داده بود تقدیر کنی، چرا این اتفاق افتاد؟ به جاش چه کاری انجام دادی؟

### مدیریت تغییر

- زمانی رو تعریف کن که مقاومت افراد سازمان رو در برابر تغییر احساس کردی. چه کاری برایش انجام دادی؟
- زمانی رو تعریف کن که مجبور بودی خودت رو با شرایط نامناسب و سختی وقف بدی.

### تسلط در ارتباط با مراتب سازمانی بالاتر

- زمانی رو تعریف کن که از کاری که مدیر بالادستی برایتان انجام داده بود، تقدیر کردید.

- آخرین باری رو تعریف کنید که یک ارائه یا پرزنتیشن برای یک مدیر بالادستی داشتید. چه احساسی داشتید؟

### ارتباطات (شفاهی)

- سخت‌ترین ایده یا موقعیتی که مجبور بودی به کسی توضیح بدی چی بوده؟
- زمانی رو تعریف کن که با وجود اینکه اونا خیلی از تو خوششون نمیومد اما تونستی به خوبی با افراد به صورت شخصی ارتباط برقرار کنی.

### ارتباطات (مکتوب)

- یکی از مهم‌ترین گزارشات یا نامه‌ای که نوشتی چی بوده؟
- زمانی رو تعریف کن که کسی چیزی که برایش نوشته بودی رو اشتباه متوجه شده بود. برای حل کردنش چه کاری انجام دادی؟

### همراهی (احساسی)

- زمانی رو برای تعریف کن که شخصی با یک مشخص شخصی پیشت اومد و باهات صحبت کرد.
- زمانی رو بگو که برای یکی از مدیران بالادستی، یک مسئله غیرکاری و شخصی یکی از کارمندان را بیان کردی و نگرانی خودت رو ابراز کردی.

### حفظ خونسردی

- زمانی رو تعریف کن که تو کاری رو براساس اطلاعات و احساس خودت انجام دادی تا اینکه تأثیر گرفته از هیجانات برخورد کرده باشی.
- آخرین باری رو تعریف کن که تو به خوبی تونستی کار کنی در شرایطی که فشار روانی بالایی داشت.

### مدیریت تعارض

- آخرین باری رو تعریف کن که با یکی از کارمندان یا همکارانت چالش داشتی و تونستی به خوبی حلش کنی.
- زمانی رو تعریف کن که برای انجام پروژه یا کاری با مدیر بالادستی مخالفت کردی. راه حلت برای برطرف شدن اختلاف چی بود؟

### برخورد با مسائل

- در هر تیمی افرادی هستند که کار کردن باهاشون سخت هست. زمانی رو تعریف کن که با یکی از این افراد مجبور بودی کار کنی.
- زمانی رو تعریف کن که یکی از کارمندان، به اهداف معین شده نرسیده بود. چه برخوردی انجام دادی؟

### رشد مداوم

- زمانی رو تعریف کن که پیشنهاد دادی تغییری انجام بشه تا شیوه انجام کارت بهتر بشه.

- یکی از بهبودهایی که در محیط کارت انجام دادی و هنوز هم در حال استفاده است رو بیان کن.

### همکاری

- گرفتن همکاری از دیگران کاری سخت و دشوار است. زمانی رو تعریف کن که برای اینکه پروژه‌های رو انجام بدی، به همکاری تعداد زیادی از همکارانت نیاز داشتی. چطور این کارو انجام دادی؟

- بعضی اوقات مجبور هستیم با افراد سختی کار کنیم. زمانی رو تعریف کن که برای انجام کاری، مجبور بودی با سخت‌ترین فرد سازمان کار کنی. چطور تونستی اون کار رو انجام بدی؟

### شهامت

- شرایطی رو توصیف کن که مجبور بودی تصمیمی رو بگیری که می‌دونستی تصمیمی نیست که همه دوست داشته باشند.
- زمانی رو تعریف کن که در جلسه در مقابل تصمیمی که به نظرت اشتباه بود ایستادی. چه احساسی داشتی؟

### خلاقیت

- خیلی اوقات، ما برای حل مسائل از راه‌هایی که قبلاً استفاده شده‌اند و مطمئن هستیم استفاده می‌کنیم. زمانی رو تعریف کن که از برای حل مسئله‌ای با وجود اینکه راه حل تکراری وجود داشت، شما از راه جدیدی اون رو حل کردید.

- زمانی رو تعریف کن که شما با یک راه حل جدید، برای حل مشکلی که مدتی باهش درگیر بودید، رسیدید.

### توجه به مشتری

- آخرین باری رو تعریف کن که هرکاری تونستی انجام دادی تا مشکل مشتری رو برطرف کنی.
- آخرین باری رو تعریف کن که با یک مشتری خیلی ناراضی روبه‌رو شدی. تونستی مشکلش رو حل کنی؟

### تصمیم‌گیری

- سخت‌ترین تصمیمی که مجبور بودی در طی سال گذشته بگیری چی بوده؟
- زمانی رو تعریف کن که مجبور بودی تصمیمی رو خیلی سریع با وجود اینکه اطلاعات ناقص بود، بگیری.

### توانایی تفویض کردن

- زمانی رو بگو که تصمیم‌گیری درباره موضوع مهمی رو به کارمندت واگذار کردی یا کار مهمی رو بهش دادی.
- زمانی رو بگو که باید کاری به کسی واگذار می‌کردی، ولی این کار رو انجام ندادی و باعث شد که در پروژه مشکل بخوری.

### توجه به جزئیات

- زمانی رو بگو که توجهات به جزئیات باعث شد از یک اشتباه جلوگیری بشه.
- زمانی رو توصیف کن که باید به جزئیات، توجه بیشتری می‌کردی اما این کارو نکردی و باعث شد در پروژه مشکل پیش بیاد.

### واکنش به فیدبک منفی

- آخرین باری رو تعریف کن که یک نفر بهت فیدبک منفی داد. چه واکنشی نشون دادی؟
- آخرین باری رو تعریف کن که به فردی از اعضای گروهت گفتی که از کارش ناراضی هستی. چطور بیانش کردی؟

### راهنمایی کردن

- زمانی رو توضیح بده که نتونستی به درستی اعضای تیمت رو هدایت کنی و باعث شکست شد.
- از چه روشی برای هدف‌گذاری برای اعضای تیمت استفاده می‌کنی؟

### پذیرش تنوع افراد

- زمانی رو تعریف کن که مجبور بودی با شخصی که با شما تفاوت دیدگاهی فراوانی داشت، کار کنی.
- زمانی رو تعریف کن که گروهی از افراد مختلف رو باهم برای انجام پروژه همکار کردی و پیش بردی.



## هوش هیجانی

- زمانی رو بگو که تواناییت در فهمیدن حال روانی شخصی، باعث شد موضوع مهمی رو در کار متوجه شویدی.
- آخرین باری رو بگو که بخاطر فهمیدن احساس اعضای تیمت و همدردی با او، باعث شد شرایط کاری بهتر پیش برود.

## قدرت بخشی

- زمانی رو بگو که به اعضای گروهت اختیار دادی که با روشی که دوست دارند، کار رو انجام بدهند؛ با وجود اینکه می‌تونستی روشی که کار در حال انجامه، اشتباه است.
- زمانی رو بگو که سکوت کردی و اجازه دادی اعضا تیم، خودشون مسئله رو حل کنند با وجود اینکه می‌تونستی مشکل رو خودت حل کنی.

## اخلاق‌گرایی

- آخرین باری رو تعریف کن که خودت رو کنترل کردی و مشکل بزرگی رو سرکار حل کردی؛ با وجود اینکه راه غیراخلاقی برات وجود داشت.
- زمانی رو بگو که قانونی رو سرکار رعایت کردی، با وجود اینکه به نظرت قانون غیرمنطقی و نادرست بوده است.

## عدالت

- زمانی رو تعریف کن که نتونستی با همه اعضای تیمت به صورت عادلانه برخورد کنی.
- زمانی رو تعریف کن که مجبور بودی با یکی از همکارانت با اینکه باهات خیلی دوست بود، طبق قانون برخورد کنی.

### انعطاف پذیری

- زمانی رو بگو که مجبور شدی کار کردن روی پروژه‌های و کاری و نصفه رها کنی و کار کردن روی پروژه‌های جدید رو شروع کنی.
- آخرین باری رو بگو که برنامه‌ریزی کرده بودی برای روزت و به دلیل اتفاقاتی که در طول روز افتاد، برنامه‌ت کاملاً عوض شد. چه احساسی داشتی؟

### پیگیری

- انجام کارها به پیگیری مداوم نیاز داره. زمانی رو برام تعریف کن که کاری رو که به کسی سپرده بودی و به دلیل اینکه پیگیری نکردی، به زمان مقرر نرسید.
- پروژه یا شرایطی رو تعریف کن که به دلیل پیگیری بالایی که داشتی، تونستی به نتیجه برسونی.

### علاقه به رشد

- شرایطی رو تعریف کن که برای اینکه کار رو انجام بدی، مجبور بودی مهارت‌های جدیدی یاد بگیری.
- بهم بگو که چطور خودت رو در حیطه شغلیت به روز نگه می‌داری.

### تارگت گذاری

- آخرین باری که برای خودت یا همکاری هدفی گذاشتی و تونستی یا تونستن که به هدف بررسی (برسند) کی بود؟
- بهم بگو که برای سال و هر پروژه‌ای، چطور تارگت گذاری می‌کنی و چطوری پیش می‌ری که به نتیجه بررسی؟

### استخدام

- زمانی رو بگو که مسئول استخدام، آموزش و آنبردینگ پرسنلی جدید در مجموعه بودی. چه کاری کردی که کمکش کرده باشی؟
- بهترین یا بدترین استخدامی که تاکنون داشتی چی بوده؟ چرا اتفاق افتاد؟

### شوخ‌طبعی

- زمانی رو توصیف کن که با استفاده از حس شوخ‌طبعی، تونستی یک مسئله جدی رو حل کنی.
- شرایطی رو توصیف کن که فکر می‌کردی اگه از شوخ‌طبعیت استفاده می‌کردی، می‌تونستی شرایط رو بهتر پیش ببری.

### متقاعد سازی

- بهترین ایده یا راه‌حلی که تا الان به همکاری یا مدیرعامل پرزنت کردی و تونستی متقاعدشون کنی چی بوده؟ چرا به نظرت تونستی موفق بشی؟
- زمانی رو تعریف کن که تونستی کسی که با ایده‌ای موافق نبود رو همراه خودت کنی.

## جمع‌آوری اطلاعات

- زمانی رو تعریف کن که به دلیل اینکه اطلاعات کافی رو جمع‌آوری نکردی، در طول پروژه تصمیمت اشتباه شدی.
- زمانی رو تعریف کن که به دلیل اینکه زمان کافی رو گذاشتی تا اطلاعات کامل پروژه رو به دست بیاری، به نفع سازمان شد.

## اشتراک گذاری اطلاعات

- زمانی رو تعریف کن که به دلیل اینکه همکاری رو از کار مطلع نکردی، باعث شکست اون شخص توی پروژه شدی.
- حفظ محرمانگی اطلاعات در سازمان، از مهم‌ترین کارهایی هست که باید انجام شود. زمانی رو تعریف کن که شخصی ازت اطلاعات محرمانه‌ای از سازمان خواست و بهش ندادی.

## ابتکار عمل

- زمانی رو مثال بزن که در اجرای پروژه، روشی جدیدی به ذهنت اومد و روش اجرای اون از شروع تا پایان رو عوض کردی.
- آخرین باری که پروژه‌ای رو بدون اطلاعات کافی شروع کردی و تونستی به سرانجام برسونیش، کی بود؟ چطور پیش رفتی؟

## مهارت‌های بین فردی

- تاحالا شده که برای انجام پروژه یا کاری، با شخصی رابطه ایجاد و حفظ کنید؟

• زمانی رو تعریف کن که مجبور شدی با کسی گستاخ یا بی ادب بود کار کنی. چطور تونستی

کارت رو به نتیجه برسونی؟